

دریاپایه ۳

نگاه

همکاری با اولین روزنامه دریایی کشور

مايه افتخار و مباحثات

مهندس حمیدرضا سيد جعفری



برای اینجانب مایه افتخار و مباحثات است که با اولین روزنامه دریایی کشور در زمینه تهیه مقالات سسوخ ت ها ی دریایی (صنعت با نگر ینگ) افتخار همکاری

دارد. آرزوی توفیق روزافزون برای موسسین و همه دست اندرکاران فهیم و فرهیخته «روزنامه دریایی اقتصادسرامد» و امید آن‌که کشور عزیزمان در آینده‌ای نه چندان دور به‌دلیل توانایی‌های بالقوه منابع نفتی و گازی و فنی متخصصان خود شاهد یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان انواع متنوع سوخت‌های دریایی پاک و با استاندارد‌های روز بین‌المللی و در سطح کلاس جهانی قرار گیرد.

ان شاء...

آینده درخشان در انتظار روزنامه نو اندیش اقتصادسرامد

جواد جود کی

با سلام و احترام خدمت سردبیر فرهیخته روزنامه اقتصاد سرامد

روزنامه اقتصاد امروز یکی از بهروز ترین رسانه روزنامه‌ای کشور که با شناخت دقیق و عمیق بسا هدف

گذاری اقتصاد دریا محور که آینده توسعه کشور در گرو توجه به آن است نقش بی بدیلی در این حوزه و توسعه کشور ایفا می‌نماید و آینده‌ای درخشان در انتظار این روزنامه نو اندیش و مدیریت قوی و فراگیر آن خواهد بود.

اقتصاد سرامد مایه فخر و مباحثات تلاشگران و جهاد گران حوزه صنعت و اقتصاد در یاست

بنام خداوند جان و دلیر

خداوند دریا، خدای امیر

دکتر امیر حسین مزینی فر

به عنوان یکی از اعضای جامعه

فرهیخته دریایی ایران، طی سال‌های

متمادی کار در

دریا، همواره نیاز

به یک روزنامه

تخصصی در حوزه

صنعت دریایی و

اقتصاد آبی کاملاً

مشهود بود و تقریباً به یک آرزوی دست نیافتنی تبدیل شده بود، خود بنده شخصاً در سال ۱۳۹۶ تلاشی برای اخذ مجوز داشتم که فرجامی نداشت. ایران دریایی، حقیقتاً در حوزه فرهنگ دریایی مکتوب طی سال‌های متمادی به جبر دور نگه داشته شده از دریا دچار ضعف و نقصان شدیدی

می‌باشد.

هرگاه که اندیشه‌ای به قالب کلام درمی‌آید و کلام لباس نوشتار به تن می‌کند بی‌شک پیام آن اندیشه مخاطبان خود را سهل تر و آسان‌تر خواهد یافت، حال اگر این اندیشه در حوزه‌ای تخصصی و فعال‌آورانه چون صنعت دریایی باشد بالطبع مخاطب آن نیز جامعه‌ای متخصص و اندیشمند بوده و این جامعه چنانچه اندیشه را منطبق و نه لزوماً موافق با افکار خود ببیند، انگیزه‌ای برای همگامی در خود پیدا خواهد کرد و صاحب سخن تلاش خود را بر ثمر و ثواب را در ادامه مسیر بر جادهٔ تعامل خواهد یافت.

تولد، انتشار و حضور مستمر روزنامه دریایی وزین اقتصاد سرامد مایه فخر و مباحثات تک تلاشگران و جهاد گران حوزه صنعت و اقتصاد دریاست که جا دارد مورد توجه و کمک بیش از پیش اندیشمندان، سسازمان‌ها، ارگان‌ها و شرکت‌های خصوصی فعال در حوزه اقتصاد آبی قرارگیرد تا همانا رسالت اصلی انتشار که فرهنگ‌سازی و آشناسازی و آشتی دادن مردم با حوزه مغفول اقتصاد و صنعت دریایی صورت پذیرد.

در پایان، مراتب سپاس فراوان خود را به پیشگاه فرهیختگان اندیشمند مدیر مسئول، سردبیر و هیئت تحریریه محترم تقدیم می‌دارم و آرزوی سلامت ، سعادت و هم آوایی کلیه کارکنان این صنعت پیشرو و قابل‌مؤثر محرکه شدن برای اقتصاد منفعل و تک محصولی ایران را دارم.

به امید ایرانی دریایی با توسعه اقتصاد دریا محور

۹۰۳۵
سرامد ۲۰۰۰
شهریور ۱۴۰۳

به بهانه شماره دوهزارم اقتصادسرامد؛

دریانگاری با کشتی کاغذی در اقیانوس قرمز!

روزنامه نگاری، شباهت‌های بسیاری با فراز و فرودهای زیست حرفه‌ای مدیر و بنیانگذار روزنامه اقتصاد سرامد دارد؛ حتی فراز از آن، می‌تواند ترسیم‌گر تصویری از وضعیت امروزین رسانه نگاری مستقل و تخصصی در ایران باشد؛ اسماعیلی نژاد در مقام یک مدیر و گرداننده روزنامه تخصصی با پشتوانه‌های سست و لرزان اقتصاد رسانه، آن‌هم در شرایط پر خطری که به قول حافظ شیرازی؛ «شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین حالت» است، توانسته است نقش آفرینی مؤثری داشته باشد؛ او از یکسو، باید بر ناامیدی‌های هر روزه اش برای کاری فرهنگی با کمترین پشتوانه ارگان‌های متولی توسعه دریامحور و حمایت‌های دولتی، غلبه نموده و از سوی دیگر از چنگال کوسه‌هایی که درون «اقیانوس قرمز» فرهنگ و رسانه، برای شکار رانت‌های دولتی و زدوبندهای سوداگرانه جولان می‌دهند، خود و رسانه اش را نجات دهد.

گریز از اقیانوس قرمز مطبوعات با سمرمز دریا نگاری!

هر چند «رقابت» در دنیای امروز امری پذیرفته شده است و از جمله مفاهیم تحول آفرینی محسوب می‌شود که بسیاری از مدیران و رهبران را به خود مشغول کرده است اما روایت‌های عبرت آموزی از بیم و امید و شکست و موفقیت را در بطن خود، نهفته دارد؛ کنشگران این عرصه پر آشوب، تنها راه پیروزی و موفقیت خود را در پیشی گرفتن از رقیبا و گرفتن سهم بیشتر از بازار تقاضای موجود می‌دانند. این در حالی است که با در نظر گرفتن شتاب ذاتی دنیای امروز و تغییر مداوم متغیرهای محیطی، بسیاری از داده‌های تحلیلی را دیگر نمی‌توان منجمد کرد و بر اساس آن‌ها دست به برنامه ریزی‌های بلند مدت برای آینده زد. به همین دلیل طی چند سال اخیر جنبشی در حوزه نوآوری و خلافت در استراتژی کسب و کارها به راه افتاده است که یکی از مهمترین نتایج آن را می‌توان «استراتژی اقیانوس آبی» نام برد. نامگذاری استراتژی اقیانوس آبی بر اساس تشبیهی دو وجهی صورت گرفته است که فضای کسب و کار را به دو اقیانوس آبی و قرمز تقسیم می‌کند. شناخت این دو فضا و تفکر مسلط بر هر یک، به کسب و کارها و مدیران و گردانندگان آن‌ها کمک می‌کند خود را محصور در فضای تاریکبوتی رقابت‌های سخت و بعضاً مرگباری که در این زیست بوم پدید می‌آیند، نبینند. آینده اقتصادهای جهانی لزوماً محکوم به دوراهی «رقابت یا فنا» نیست. خلق بازاری تازه با بهره‌گیری از نوآوری ارزش آفرین و رشد مطمئن درون بازارهای جدید ناشی از غیبت رقبا نیز گزینه دیگری است که پیش روی بنگاه ها و حتی مدیران مطبوعات قرار دارد.

در هندسه ذهنی، تمام حوزه‌های کاری و خدماتی جهان را می‌توان به دو نوع اقیانوس تشبیه کرد: یکی اقیانوس آبی، و دومی اقیانوس قرمز. اقیانوس‌های قرمز معرف تمامی کسب و کارها و بازارهای شناخته شده‌ای هستند که امروزه در جهان وجود دارند. محدودیت‌ها و حد و مرزهای بنگاه‌ها در این فضا، تعریف شده و مورد پذیرش قرار گرفته‌اند و قواعد بازی رقابت در آن‌ها مشخص است. اقیانوس‌های قرمز به واسطه آن‌که بازیگران متعددی در آن خود جای داده‌اند و در نتیجه رقابت شدیدی بر فضایشان حاکم است، احتمال سودآوری و رشد کمی دارند. نام اقیانوس قرمز به واسطه رقابت سخت و کشنده میان سازمان‌ها و محیط خون آلود ناشی از این رقابت سر شناخته انتخاب شده است.

از سوی دیگر اقیانوس‌های آبی، تمامی کسب و کارها و حوزه‌هایی را زیر چتر خود قرار می‌دهد که در حال حاضر وجود ندارند یا رقابت کمتری در آن وجود دارد. از اقیانوس آبی تاکنون هیچ بهره‌برداری صورت نگرفته است و هیچ رقیبی در آن‌ها وجود ندارد، بنابراین پتانسیل بالایی برای رشد و سودآوری در آن‌ها وجود دارد. خالق این اقیانوس، خود می‌تواند قوانین بازی و حد و مرز های صنعت را مشخص نماید؛ تجربه‌ای که شاید بنیانگذار و مدیر اقتصاد سرامد بیشتر و بهتر بتواند برآیدمان روایت کند که چگونه با شکل دهی به یک انقلاب دریانگاری در مطبوعات ایران، می‌توان در اقیانوس آبی عرصه فرهنگ و رسانه، از چنگ کوسه‌های پر شمار اقیانوس قرمز رهایی یافت، بدون آنکه به سرنوشت مایه‌ی بزرگ صیاد کهنسال داستان پیرمرد دریا دچار شد؛ تنها و رنجور از آوار زخم زبان ملامت گران با دردهای ناشی از به دست گرفتن یک استخوان مایه‌ی برای شاهد ماجرا!

رسانه‌ای برای جمعیت میلیونی دریا گریز با قابلیت ساحل نشین؟

در مطلع این نوشتار، داستانی تمثیلی را از گنجینه ادبیات جهان برای روشن کردن در مخاطبان وام گرفتیم، در پایان نیز قسه‌ای حکمت آموز را از یک اثر ادبی ماندگار و شاهکار ادبیات ایران، شاهد مثال می‌آوریم که پایان قلم‌فرسایی، هم نتیجه اخلاقی بگیریم و هم این جستار، اندکی حکمت آموز تر باشد؛ داستان پرمغز «غلام دریاننده» که برگرفته از حکایت هفتم باب اول گلستان است؛ سعدی در این حکایت برآیدمان چنین روایت‌گری می‌کند که پادشاهی قصد سفر با کشتی می‌کند. غلامی از دیار عجم، همراه پادشاه بود که برای اولین بار با کشتی سفر می‌کرد و تا به حال دریا را ندیده بود. غلام از ترس به گریه و زاری می‌افتد. اطرافیان هرچه تلاش می‌کنند با مهربانی و محبت، غلام را آرام کنند فایده‌ای نداشت. از گریه و ناله غلام، سفر برای پادشاه ناخوشایند می‌شود. اما کاری از دست کسی بر نمی‌آمد. تا اینکه فرد دانایی به پادشاه می‌گوید اگر اجازه دهید من راهی بلده که می‌توانم او را آرام کنم. پادشاه موافقت می‌کند.مرد دانا دستور می‌دهد غلام را به دریا ببیند.زاد. وقتی غلام مدتی در دریا دست و پا می‌زند او را از دریا بالا می‌کشند. غلام که پایه کشتی می‌گذارد و گوشه‌ای می‌رود و ساکت و آرام می‌نشیند. پادشاه از این اتفاق تعجب می‌کند و دلیل این آرامش غلام را جویا می‌شود. فرد دانا پاسخ می‌دهد: این غلام وقتی حسن غرق شدن در دریا را تجربه کرد ارزش سلامتی داخل کشتی را متوجه شد. درست مثل کسی که مژه تلخ بحران و گرفتاری را نبیند، قدر عافیت و داشته‌های خود را نمی‌داند.

مطالبه گری برای بیم زدایی از دریاندیده‌ها!

تقریباً ۹۰ درصد از جامعه ۹۰ میلیون نفری ساکنان امروزی سرزمین ایران خشکی نشین هستند و بیگانه با دریا؛ بسان همین غلام دریاننده در حکایت گلستان سعدی که نسبتی معنادار با توسعه دریامحور ندارند؛ شوربختانه به دلیل بی‌توجهی متولیان امر به امر مهم فرهنگ‌سازی، آن‌قدر مسأله دریاگریزی و بیگانگی مردم با دریا در کشور نهادینه شده که هم شهروندان، هم حکومت و هم جامعه نخبگانی از ترس جدی شدن فرپاشی اقتصادی کشور، «توفیق اجباری» یافته‌اند تا شاید اندکی در مطالبه‌گری و پرداختن دیر هنگام به راه حلی تحول آفرین همچون اقتصاد دریابایه همراه و همدانستان شوند؛ با این وضعیت مهاجرت دریانگاری در عرصه افکار عمومی، تا زمان استقرار یک نظام حکمرانی دریامحور در ایران، دو راه بیشتر پیش رو نداریم، یا باید عافیت طلبانه دست به دعا شویم یا برای شکل‌گیری یک جریان بیداری ملی در سطح مردم و حاکمیت، کفش آهنین بپوشیم.

پژوهشگر پیشرفت دریابایه

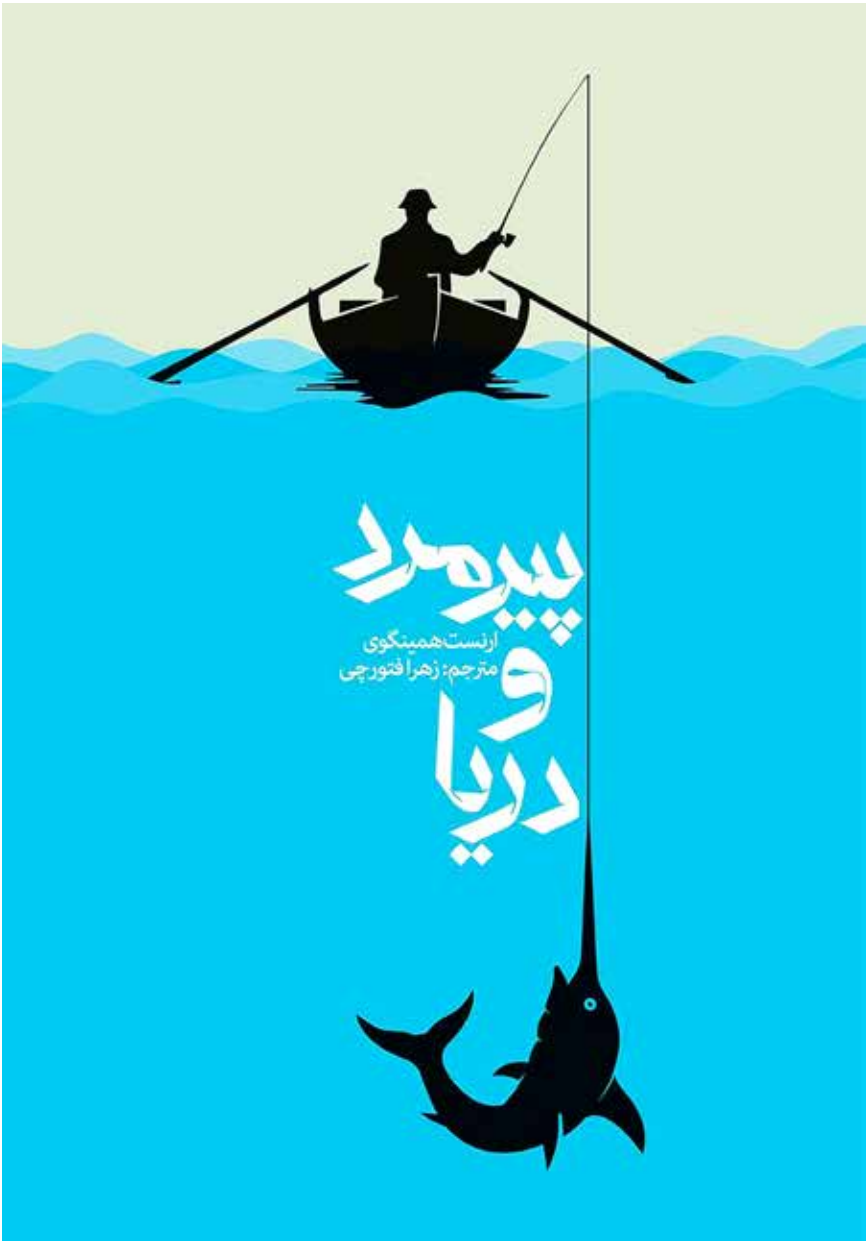
می‌گردند. وقتی تعداد ایسن ناکامی‌ها از حد می‌گذرد، پدر و مصادر آن نوجوان نیز فرزند خود را از همراهی پیرمرد باز می‌دارند و پیرمرد تنها می‌ماند. او بدون آنکه از سرزنش دیگران مایوس شود، تصمیم می‌گیرد تنها راهی دریا شده و میل به زندگی و شجاعت ایستادگی خود را آزمایش کند. این اتفاق رخ می‌دهد و پیرمرد سوار بر قایقی نه چندان مستحکم و با صلابت، دل به امواج خروشان می‌سپارد تا از میان حوادث سهمگین دریا و روزگار، گمشده خود را بیابد. دریاپیمایی آن‌هم بدون هیچ یار و یابوری، باعث می‌شود تا مرد مایه‌گیر با تمرکز و توجه ویژه به هیبت کائنات، به عظمت دریا بنگرد و همین سکوت و توجه و تمرکز، صدای موسیقی دریا را که تاکنون به سبب هیاهوی کاذب از شنیدنش محروم بوده، به گوش پیرمرد برساند. به این ترتیب پیرمرد تنها و در میان موج‌های دریا، آواز دلنشین خلقت را می‌شنود. اما برای دست‌یابی به کامیابی بزرگ، او پیش از این، موفق شده بود که صدای ضرایان قلب و وجدان خودش را نیز بشنود. در بخش‌های بسیاری از رمان، پیرمرد مدام درگیر گفتگو با خویشان است. او مدام با خود سخن می‌گوید، بر افکار ناامیدانه خود می‌تازد و قابلیت‌های عظیم انسانی خود را به رخ می‌کشد، سرانجام از پس هیولای ذهن خود برمی‌آید و بر ضعف و ناامیدی غلبه می‌کند، ناگهان توری که به دریا افکنده به رقص در می‌آید، رقصی که پاداش ایستادگی و پایداری و زحمت پیرمرد است. ماهی بزرگی به تور او افتاده که حتی بزرگ‌تر از قایق کوچک پیرمرد جلوه می‌کند و او را به نبرد تازه‌ای دعوت می‌کند تا باور کند که راه‌های نجات هرگز بسته نیست و اگر همه چیز را از آدمی بگیرند در حالی که او امیدش را از دست ندهد، راهی پنهان گشوده خواهد شد. ماهی گرفتار شده درون تور، آنقدر بزرگ و چالاک است که پیرمرد پس از نبردی طولانی، با فائق آمدن بر بیم و اندوهی بزرگ که از صید ماهی در دل دارد، بالاخره از نفس می‌افتد و چون نمی‌تواند ماهی را به داخل قایق آورد، به کمک دست‌های زخمی و طلبای محکم با تکیه بر روح نیرومند و با صلابت خویش، ماهی را به قایق می‌بندد تا پس از طی مسافتی طولانی به ساحل برسد.

پیرمرد پس از غلبه نمودن بر رنج فراوان و زحمت بسیار، ماهی بزرگ را با طنابی محکم به قایق می‌بندد تا شب سخت و هول انگیز به پایان رسیده و پیروزمندان از پیکار زندگی بدر آید و به ساحل برسد؛ اما پس از غلبه بر افکار منفی درونی که منجر به یک کسب موفقیت بزرگ برای پیرمرد می‌شود، این بار غلبه بر زیاده‌خواهان و عدالت ستیزان بیرونی می‌رسد تا توانمندی مایه‌گیر بزرگ را به چالش کشند. کوسه‌های گرسنه به محض استشمام بوی خون و کباب سرکشانه به سمت قایق حرکت می‌کنند تا دست‌رنج پیرمرد بزرگ را بدون زحمت صید و شکار بر بایند و از سهم دیگران برای خود عیش و بساط به راه اندازند. درست مانند جاه‌طلبان زیاده‌خواه سرزمین ما، که همیشه چشم به تصاحب داشته‌های دیگران به ویژه رقبا ی خود می‌دوزند؛ کوسه‌های جهان آدمیان، گاهی با سوءاستفاده از قدرت سیاسی، گاهی با زراندوزی و پرخواهی اقتصادی، گاهی با احتکار و گران‌فروشی و گاهی با اختلاس و دزدی اموال مردم، از راه می‌رسند تا به قیمت فقر و فلاکت دیگران جیب‌شان را پر و شکم‌شان را سیر کنند.

پیرمرد هراسی از این کوسه‌ها به دل راه نمی‌دهد و باور دارد که برای رسیدن به عرصه‌های بلند موفقیت باید جنگید و از حق خود به روش‌های مناسب دفاع کرد. او با پردلی و صلابت به کوسه‌ها حمله ور می‌شود و برخی از آنها را از پای در می‌آورد اما دست آخر سهم بیشتری از گوشت مایه‌ی را کوسه‌ها میدرنند و غارت می‌کنند و استخوانی از مایه‌ی، برای پیرمرد باقی می‌گذارند. پیرمرد با مایه‌ی صید شده سخن می‌گوید و از این طریق خود را نیز دلدار می‌دهد. اگر کوسه‌های غارتگر، ماهی بزرگ را تکه تکه کردند اما در برابر روح بزرگ پیرمرد شکست خوردند و اگر داشته‌های او را به غارت بردند در برابر شخصیت با عظمت پیرمرد به زانو در آمدند. در پایان داستان، گرچه پیرمرد با اسکنلی از مایه‌ی به ساحل باز می‌گردد ولی همه آنها یی که او را سرسزنش و با قضاوت‌های غلط مورد اذیت و آزار قرار داده بودند، از رفتار خود شرمسار می‌شوند و بر اوصالت و الوایی روح صیاد کهنسال اعتراف می‌کنند.

دریا نگاری؛ شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین حالت!

بازنمایی حکایت پیرمرد و دریا و ترجمان مفاهیم آن در هندسه پرچالش



مهدی ده دار

اغلب شیفینگان ادبیات و آدم‌های کتابخوان، «ارنست همینگوی» نویسنده شهیر آمریکایی را حتما می‌شناسند؛ شاهکار ادبی و رمان جاودانه او، «پیرمرد و دریا» است. این نویسنده آشنا با مناطق دریایی و سبک زندگی ساحل نشینی، اثری را خلق کرده که سرشار از نکات بسیار آموزنده معرفت شناسی، اخلاقی و روان‌شناختی است و آموزه‌های آن می‌تواند در امر واکاوی علل مهاجرت «دریا» در عرصه حکمرانی کشور مسا و مغفول ماندن دریانگاری در حوزه فرهنگ و رسانه ایران زمین، برای مخاطبان راهنما و رهگشا باشد؛ در ابتدای نوشتار حاضر که به بهانه انتشار شماره دوهزارم روزنامه دریایی اقتصادسرامد، به نگارش درآمده، نخست مباحثی کوتاه درباره حلقه مفقوده‌ای به نام «رسانه نگاری مستقل و تخصصی در امر مطالبه‌گری توسعه دریامحور»، می‌نویسیم و سپس در همین دایره گفتمانی، نقش ستودنی مدیر خلاق و دریادل روزنامه اقتصاد سرامد یعنی جناب فیروز اسماعیلی نژاد و سردبیر اندیشمند این روزنامه، دکتر ایرج گلشنی، بازخوانی و روایتگری می‌کنیم.

فرزند زاگرس؛ راوی زیست ساحل نشینان و دریاوران!

روزنامه اقتصاد سرامد که هم اکنون به رسانه‌ای مطالبه‌گر، تربیونی تاثیر گذار و شبکه‌ای جریان ساز از دریانگاران کشور در گفتمان سازی توسعه دریامحور تبدیل شده، هفت سال پیش و در یکی از روزهای پایانی سال ۱۳۹۶ هجری خورشیدی پا به عرصه مطبوعات ایران گذاشت؛ هر چند ماجرای صدور مجوز اولیه آن و انتشار هفتگی ش در گستره منطقه کوهستانی زاگرس به چندسال پیشتر از این تاریخ، برمی‌گردد؛ آنطور که فیروز اسماعیلی نژاد، صاحب امتیاز و مدیر مسئول روزنامه برآیم بارها روایت کرده، مجوز اولیه نشر به پنجم مردادماه ۱۳۹۳ از سوی هیات نظارت بر مطبوعات صادر شد. ابتدای کار، این نشریه که نامش «کاسیت» بود، با هدف تولید محتوای فرهنگی و اجتماعی در گستره منطقه غرب کشور منتشر می‌شد که برگرفته از نام قوم کاسی هاست(کاسیان یا کاسی‌ها، مردمانی باستانی دارای ریشه زادگاهی زاگرس در محدوده لرستان امروزی و جغرافیای پیرامونی رودخانه سیمره کنونی بوده و در سده‌های ۱۲ تا ۱۶ پیش از میلاد به سرزمین باستانی بابل و مناطق شرقی آن، فرمانروایی می‌کرده‌اند) نشریه کاسیت در همان بازه زمانی ۱۳۹۳ تااواخر ۱۳۹۵ خورشیدی، در ارزیابی‌های صورت گرفته توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، موفق به کسب درجه مطبوعاتی رتبه ۲ شد. پس از مدتی با مجوز هیات نظارت بر مطبوعات، دوره انتشار آن به هفته نامه با گستره سراسری تغییر وضعیت داد. یکسال بعد اما ماجرا وارد فاز جدیدی شد؛ سال ۱۳۹۶ بود که در راستای فعالیت

رسانه‌ای هدفمند، نقش آفرینی موثر و با جامعه هدف مشخص، مدیر مسئول زاگرس نشین که چند سالی با شور و حرارت، شیفته دریانگاری شده بود و مثل قهرمان رمان «پیرمرد و دریا» خودش را برای صید ماهی بزرگ در اقیانوس قرمز مطبوعات ایران آماده میکرد، ناگهان ساکن کشتی کاغذی‌ش را به سمت «اقیانوس آبی» تغییر مسیر داد و عزمش را جزم کرد تا در عرصه رسانه نگاری مطبوعات اقتصادی، بدعت‌گذار یک جریان‌سازی جدید رسانه‌ای و خرق عادت در تولید محتوای تخصصی برای بخشی مهاجور از اقتصاد ایران شود که تعداد خبرنگاران و نویسندگان تخصصی‌ش به زور از تعداد انگشتان دست فراتر می‌رفت؛ یک خطر پذیری بزرگ! این گونه شد که دوره انتشار این رسانه، از هفته نامه به روزنامه سراسری اما با رویکرد تخصصی و با محوریت اقتصاد دریابایه تغییر یافت. این ماجرا در ماه‌های پایانی سال ۱۳۹۶ رقم خورد؛ به طوری که هیات نظارت بر مطبوعات با تغییر وضعیت این رسانه به نام اقتصاد سرامد با دوره انتشار روزانه در زمینه اقتصادی اجتماعی موافقت کرد و بدین ترتیب، نخستین روزنامه دریایی ایران شکل گرفت. بنا به اعلام سامانه جامع رسانه‌های ایران، هم اکنون(در زمان نگارش این متن به وقت شهریورماه ۱۴۰۳) مجوز ۳۴۷ روزنامه در ایران ثبت شده که تنها یک مورد از این روزنامه‌ها، رسانه‌ای اختصاصی برای گفتمان سازی توسعه دریامحور، دریا و دریانگاری محسوب می‌شود؛ نشریه‌ای که هفت سال است در کنار مجلات تخصصی حوزه حمل و نقل و همچنین پایگاه‌های خبری، «سرامد» رسانه‌های جریان ساز «اقتصاد» با پسوند «دریابایه» شده است؛ اولین و تنها روزنامه دریایی ایران امروز با پشتوانه انتشار ۲۰۰۰ شماره توانسته است که امواج سهمگین حوادث را بشکافد برای روزنه گشایی در شرایط طوفانی ناشی از بحران‌های اقتصاد رسانه در نشریات چاپی و چالش سخت‌تر یعنی تولید محتوای تخصصی دریایی. ۲۰۰۰ روز گوش‌های بی‌پایان برای رسیدن به یک جزیره امن، لنگر انداختن در سساحل آرامش با خیزشی فرهنگ‌سازانه به صورت آهسته و پیوسته و بدون یک روز توقف!

باز خوانی یک روایت دریایی با چاشنی صنایع ادبی

با این مقدمه کوتاه بر می‌گردیم به داستان مشهور «پیرمرد و دریا»؛ روایتی دراماتیک و پرماجرا که می‌تواند گوشش‌گری و دغدغه‌مندی هفت سال کار و زندگی فیروز اسماعیلی نژاد و همکاران خستگی ناپذیرش را در روزنامه اقتصاد سرامد، تا حدودی با زبان تمثیل رمزگشایی نموده و با چاشنی سحرانگیز صنایع ادبی و قصه پردازی از دنیای خیال انگیز ادبیات گریزی داشته باشیم به دنیای پرابهام توسعه دریابایه. قهرمان رمان مورد بحث ما، ماهیگیری کهنسال است که به همراه شناگرد نوجوان خود بارها برای صید ماهی به دل دریا می‌زند اما هر بار پس از سعی و تقصای فراوان طعم تلخ ناکامی را چشیده و بدون آن‌که صیدی کنند با داستانی خالی باز